

در سال جاری؛ ۱۴/۳ درصد رشد جابجایی کانتینر در بنادر

مدیرکل بنادر و دریانوردی هرمزگان گفت : عملیات تخلیه و بارگیری کانتینر در بنادر این استان در هفت ماهه نخست اسسال با ۱۴/۳ درصد رشد روبرو بوده است.به گزارش خبرگزاری فارس از بندرعباس، علی‌اکبر منصفی عصر یکشنبه در جمع خبرنگاران با بیان اینکه از ابتدای سال جاری تاکنون ۵۴ میلیون و ۲۷۰ هزار و ۶۲۱ تن کالا در بنادر استان هرمزگان تخلیه و بارگیری شده است، اظهار داشت: این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۲ درصد رشد نشان می‌دهد. وی ادامه داد: از این میزان حجم عملیات، ۳۲ میلیون و ۶۲۲ هزار و ۱۹۰ تن غیر نفتی و مابقی نفتی بوده است که به ترتیب ۲ و ۲۱ درصد افزایش داشته است.

مدیرکل بنادر و دریانوردی هرمزگان به افزایش صادرات کالاهای غیر نفتی از بنادر استان اشاره کرد و افزود: طی مدت کرد شده، ۱۲ میلیون و ۹۹ هزار و ۵۴ تن کالای غیر نفتی به خارج از کشور صادر

شد که ۴۸ درصد افزایش نسبت به سال گذشته رشد دارد.

منصفی همچنین از افزایش ۳۳ درصدی ترانزیت این مواد خبر داد و میزان آن را یک میلیون و ۲۵۹ هزار و ۲۳۵ تن اعلام کرد. این مقام مسئول ابراز داشت: همچنین واردات کالاهای غیر نفتی از رشد ۴ درصدی در مقایسه با مدت مشابه سال قبل برخوردار است که به رقم ۱۱ میلیون و ۲۴۵ هزار و ۷۰۶ تن می‌رسد.

وی گفت: کاپوآژ این مواد در این مدت به ۶ میلیون و ۱۳۲ هزار و ۴۸۱ تن رسید که از رشد ۲۶ درصدی برخوردار است. مدیرکل بنادر و دریانوردی هرمزگان در عین حال اظهار داشت: طی این مدت آمار صادرات مواد نفتی از این بنادر با افزایش ۱۲ درصدی روبرو بوده است به طوری که به رقم ۸ میلیون و ۵۴ هزار و ۱۱۵ تن رسید.

زندگی نامه شهید احمد مجرد :

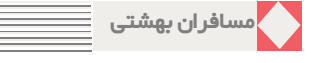
شهیدی در شهر خودش

- می گفت می خواهد شانه به شانه مردش کمک خرجی خانواده باشد همه حواس مرد با اتاق بود دستش را شست و رفت به سمت اتاق زن انگار دردش شروع شده بود**
- بیا اینم گل پسرت به خودش که آمد پسرش را توی پارچه ایی سفید روبروش گرفته بودند همان لحظه تصمیم گرفت که اسمش را بگذارد احمد و گذاشت احمد روی دست های پینه بسته که نشان از زحمت کش بودن پدر داشت بزرگ شد .**

خانه ترک هایش هم انگار بیشتر شده بودند و برای اینکه فرزندی را که می خواست بدینا بیاید ببینند پدر تازه از دست فروشی آمده بود بساط را گوشه حیاط گذاشت و نگاهش را چرخاند به سمت اتاق چند مدتی می شد که با او نیامده بود دست فروشی خودش نگذاشته بود همان موقع ها که می آمد خود زن اصرار می کرد می گفت می خواهد شانه به شانه مردش کمک خرجی خانواده باشد همه حواس مرد با اتاق بود دستش را شست و رفت به سمت اتاق زن انگار دردش شروع شده بود همه سایه ها را خیر دادند خانه کوچک لحظه ای بعد پر از هیاهوی زن ها و بچه هایی شد که در پی مادرشان به خانه آمده بودند شوق به دنیا آمدن نوزاد همه را به تکاپو انداخته بود زن کمک صدایش اوج گرفت ومرد خودش را سرگرم وسایل هاش کرد اما همه حوشش از توی دیوارها رد می شد و می رسید پیش زن .

بیا اینم گل پسرت به خودش که آمد پسرش را توی پارچه ایی سفید روبروش گرفته بودند همان لحظه تصمیم گرفت که اسمش را بگذارد احمد و گذاشت احمد روی دست های پینه بسته که نشان از زحمت کش بودن پدر داشت بزرگ شد احمد پدر را خیلی دوست داشت با آن سن وسال کشش ناهار را می برد بساط دست فروشی پدر و مادرچشم های هردو برقی می زد وقتی که امید زندگی شان آفتابور دوستانشان داشت و و برگیس های ملرد و دست های پدر بوسه می زد.

به مدرسه که می رفت روزها درس می خواند وروی شانه های کوچک چون حس تعهد داشت دستانش را کرد کار واداشت توی شرکت بارنویسی شهید ذاکری کار کرد تا کمک خرجی خانواده باشد آفتقر با ذوق پول هایش را جمع می کرد و وقتی می داد به مادر حسن قشنگ مسولیت پذیری را احساس می کرد. درس و کار از احمد مرد



نام و نام خانوادگی : غلام کمالی نسب
تاریخ تولد : ۱۳۲۷/۱/۱۳
تاریخ شهادت : ۶۶/۶/۹
یگان اعزام کننده : -

کارمند: اداره بنادر و کشتیرانی
محل دفن: گلزار شهدای فاریاب

مرد خانه و بزرگ فامیل
مرد خانه و بزرگ دوست و آشنا بود تمام وقت خودش را صرف رسیدگی به من و فرزندانش می کرد و با وجود اینکه اکثر اوقات در سفر بود و یا به خاطر ماموریت های خارج از کشور کمتر او را می دیدیم . اما در همان فرصت اندک مرخصی آفتقر به ما توجه داشت که در نبود او هرگز احساس دلتنگی نمی کردیم. همسرم در اخلاق و رفتارش نمونه و الگویی برای دیگران بود .

انگشت حرم امام رضا(ع)

مرد برای شناسایی جسد همسرم رفتم، صحنه حیرت انگیزی از معجزه خداوندی را شاهد بودیم . همسرم به همراه چند تن دیگر از دوستانش در یک کش مورد اصابت راکت هواپیماهای یعنی قرار گرفته بودند که موجب سوختگی تمام قسمت های بدن و غیر قابل تشخیص بودن اجساد آنها شده بود . حال غریبی داشتم . همسرم را که دیدم از خود بی خود شدم .

در همان حال و هوای سنگین ، دست او را دیدم که از من تا نوک انگشتان سالم و بدون هیچ گونه خراشی است.باورکردنی نبود.به خاطر مخلوت آتش سوزی تمام بدن جزاله شده بود اما دستی که نران انگشتش را مرد داشت سالم مانده بود.آن انگشترا از مشهد مقدس خریده و دور ضریح حضرت امام رضا(ع) طواف داده بود آن موقع فهمیدم که به حرمت قداست و عظمت مقام امام رضا (ع) دست همسرم بواسطه همان انگشتنر سالم مانده و قابل شناسایی بود از آن روز به معجزه خداوند و مقامی که امامان در نزد خدا دارند.ایمان آوردم .

شهید غلام افساء:

مسئله ما اسلام است و لازم است در موقعی که صدای « هل من ناصر یتصرنی» اسلام بلند است با تمام توان برای دفاع از آن ، هر مسلمانی بپا خیزد .

۵	ایشان
- سال تیم - شماره ۱۱۱۳ - سه شنبه ۱۸ آبان ۱۳۸۹ ۲ ذی الحجه ۱۴۳۱ ۹ نوامبر ۲۰۱۰ - دبیر صفحه : <i>علی زارعی</i>	



سه طلاقه

من دنیا را طلاق دادم. خدای بزرگ مرا در آتش عشق و محبت سوزاند. مقیاسها و معیارهای جدید بر دلم گذاشت و خواسته های عادی و مادی و شخصی در نظرم حذف شد. روزگاری گذشت که دنیا و مافیها را سه طلاقه کردم و از همه چیز خود گذشتم. از همه چیز گذشتم و با آغوش باز به استقبال مرگ رفتم و این شاید مهمترین و اساسی ترین پایه پیروزی من در این امتحان سخت باشد.

آرامش غروب

خوش دارم آزاد از قید و بندها درغروب آفتاب بر بلندای کوهی بنشینم و فرو رفتن خورشید را در دریای وجود مشاهده کنم و همه حیات خود را به این زیبایی خدایی بسپارم و این زیبایی سحرانگیز، با پنجه های هنرمندش با تار و پود وجودم بازی کند، قلب سوزانم را بگشاید، آشفشان درد و غم را آزاد کنم. اشک را که عصاره حیات من است، آزادانه سرازیرنمایم. عقیده ها و فشارهایی را که برقلب و روحم سنگینی می کنند بگشایم. غم های خسته کننده ای را که حلقوم را می فشردند و دردهای کشنده ای که قلبم را سوراخ سوراخ می کند، با قدرت معجزه آسای زیبایی تغییر شکل دهد و غم را به عرفان و درد را به فداکاری مبدل کند و آنگاه حیات را بگیرد و من دیوانه وار همه وجودم را تسلیم زیبایی کنم و روح به سوی ابدیتی که نورهای زیبایی می گذرد پرواز کند و در عالم آرامش و طمانینه از کیهانها بگذرم و برای لقاء پورددگار به معراج روم و از دره هستی در همان حال باقی بمانم و از این سیرملکوتی لذت ببرم.

آفرینش دریا

خدا یا تو را شرکری کنم که دریا را آفریدی، که او را آفریدی و من می توانم به کمک روح خود در موج دریا بنشینم و تا فبق بی نهایت به پیش برانم و بدین وسیله از قید زمان و مکان خارج شوم و فشار زندگی را ناچیز نمایم.
خدا یا تو را شکر می کنم که به من جشمی دادی که زیبایی های دنیا را ببینم و درک زیبایی را به من رحمت کردی تا آنجا که زیبایی هایت را و پرستش زیبایی را جزئی از پرستش ذات بدانم.

سوگند

خدا یا به آسمان بلندت سوگند، به عشق سوگند، به شهادت سوگند، به علی سوگند، به حسین سوگند، به روح سوگند، به بی نهایت سوگند، به نور سوگند، به دریای وسیع سوگند، به امواج روح افزا سوگند، به کوه های سر به فلک کشیده سوگند، به شبیور جنگ سوگند، به سوز دل عاشقان سوگند، به فداییان از جان گذشته سوگند، به درد دل زجرکشیده گان سوگند، به اشک یتیمان سوگند، به آه جانسوز بیوه زنان سوگند، به تنهایی مردان بلند سوگند که من عاشق زیباییم، چه زیباست همدرعای شدن، زجر کشیدن، از طرف پست ترین جنایتکاران تهمت شنیدن، از طرف کینه توزان بی انصاف نفرتن شنیدن، چه زیباست در کنار نخلستان های بلند در نیمه های شب، سینه زدنغادر را گشودن و خروشیدن و با ستارگان زیبای آسمان سخن گفتن، چه زیباست که دراین موهبت بزرگ الهی که نامش غم و درد است، شمع تابعه عیارعلی شدن.

قربانی فرزند آدم

ای خدای بزرگ ، ای آنکه نمونه ی بزرگی چون حسین علیه السلام را به جهان عرضه وجودت... سیاهی ها و تباهی ها را به آتش وجود حسین ها روشن نموده ای، ای آنکه راه پرافتخار شهادت را، برای آخرین راه حل انسان ها باز کرده ای، ای خدا، ای معشوق من، ای ایده آل آرزوهای مردم عارف، به من توفیق ده تا مثل مخلصان و شیفتگان ، در راهت بسوزم و ازین خاکسترمادی آزاد گردم. ای حسین علیه السلام، من برای زنده ماندن تلاش نمی کنم و از مرگ نمی هراسم ، بلکه به شهادت دل بسته ام و از همه چیز دست می کشم. ام، ولی نمی توانم پیذیرم که ارزشهای الهی و حتی قداست انقلاب بازچیزه دست سیاستمداران و تجار ماده پرست شده است.

قبول شهادت مرا آزاد کرده است، من آزادی خود را به هیچ چیز حتی به حیات خود نمی فروشم.

خدا یا ابراهیم را گفتی که عزیزترین فرزندش را قربانی کند، و او اسماعیل را مهپای قربانی کرد...

وی میزان ترانزیت مواد نفتی را ۷۴ هزار و ۱۱۰ تن اعلام کرد و افزود: ترانزیت این مواد نسبت به سال گذشته ۱۱۳ درصد افزایش یافته است. منصفی گفت: همچنین تخلیه و بارگیری کانتینر نیز طی هفت ماهه نخست امسال با ۱۴٫۳ درصد رشد روبرو بود به طوری که طی این مدت یک میلیون و ۴۱۹ هزار و ۸۶۴ TEU کانتینر در بنادر استان عملیات صورت گرفت که عمده آنها در بندر شهید رجایی انجام شده است. وی آمار مسافران چابۀ چا شده در بنادر مسافری استان را ۳ میلیون و ۶۳۵ هزار و ۴۴۹ نفر اعلام کرد.

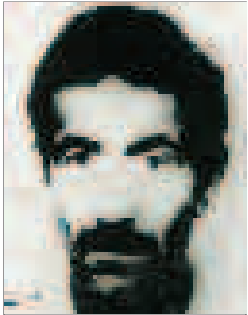
مدیرکل بنادر و دریانوردی هرمزگان اضافه کرد: طی این مدت ۸۸۸ هزار و ۶۷ دستگاه کامیون و ۲۴ هزار و ۲۰۱ دستگاه واگن قطار در بنادر استان تردد کردند که به ترتیب ۸ و ۱۵ درصد رشد نشان می دهد.

دوباره بوسه زد ودر آغوش گرفتنش و بسپچی که تلاش

از شانه های مردانه شان می باید چهل روز توی جبهه نماز شبش ترک نمیشد سنگرها مونس شبهای احمد بودند و شاهد گریه هاش بعد از جبهه آمد شد عضو سپاه پاسداران .

پاییز بود اما پاییز توی جنوب هزار رنگ نیست شاید با پاییز لایه لایه برگها زیبای درخت گارم رنگی و آنها را بیاندازند زیر پایت و گاهی موج هایی که بی تاب تر شوند و به سینه دریا برزند.احمد صبح چشم هایش را که باز کرد احساس سبکی خاصی میکرد نسیم طلایی می وزید و وضو گرفت و نماز خواند مادر توی چادر نماز گذارش زیباتر شده بود صدای سلام دادن پدر می آمد نمازشان که تمام شد رفت کنار سجاده مادر نشست مادر در

آغوشش گرفت و احمد بغض کرد امشب عملیات داشتند می خواست خوب صورت مادر را ببیند و بگوید که اگر او نباشد بی تایی نکند گیسهایی سفید مادر بی تاب ترش



■ شهید عبدالعلی دریانورد



■ شهید حر درویشی



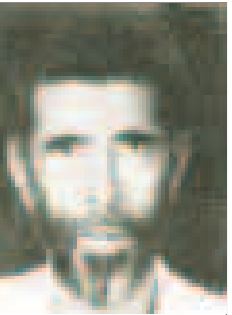
■ شهیدمحمد شفیع مدنی



■ شهید علی گلزاری



■ شهید محمد گلزاری



■ شهید موسی درویشی



■ شهید غلام گلزاری



■ شهیده فاطمه نیک

را عمل کرده بودیم .

سال ۱۳۶۱ از طرف دفتر امام به عنوان امام جمعه جزیره هرمز منصوب شدم ، آن وقتها شهید موسی درویشی برادر خانم فاطمه نیک فرمانده سپاه هرمز بود.محمد و علی گلزاری شهید شده بودند من به رسم ادب به دیدار خانواده شان می رفتم خبر شهادت فرزند سوشم را که آوردند توی جزیره عروسی بود صاحبان مجلس می خواستند عروسی را عقب بیندازند اما خانم اجازه نداد و گفت مشرف بشوید.اسم پدر و مادرم را نوشتم سلیمان پسر خاله ام که جانباز ۷۵ درصد هست هم با آنها بود . بعد از اعمال حج ، حجاج فریاد برآئت از مشرکین سر می دهند و پلیس صعودی به تظاهرات کنندگان حمله می کند و تعداد زیادی زخمی و شهید می شوند ، پدرم مادر را در مسیر راهپیمایی گم می کند فرادی آن روز اسامی زخمی ها و شهدا از رسانه ها اعلام شد پدر جنازه زخمی و خون آلود مادر را نتشناخته بود. حجاج که برگشتند من رفتم تهران دنبال پدر . بعد از ۷۵ روز به من خبر دادند که باید با هیاتی که می روند برای شناسایی اجساد شهدا بروم جده، رفتم بیمارستانی که اجساد آنجا بود اول عکس ها را نشان دادند اما از روی عکسها نمی شد تشخیص داد . رفتم سراغ اجساد، ورم ها خوابیده بود خون ها خشک شده بود جنازه مادر را پیدا کردم از روی رد بخیه که زیر گلویش بود چند سال پیش از آن تیروئیدش را عمل کرده بودیم .

مادر را پیدا کردم از روی رد بخیه که زیر گلویش بود چند سال پیش از آن تیروئیدش برآئت از مشرکین شروع شد خانواده های

شناسایی جسد غلام ، خودش باید بر می گشتن جزیره مانده بودم بعد از شهادت محمد و علی خبر شهادت غلام را چه طوری به مادر برگویم ، وقتی رسیدم خانه ایستاده بود توی چار چوب در. گفتم خبر آورده اند غلام زخمی شده لیخنند رد گفت خبر دارم که غلام زخمی نشده شهید شده .

کاروان حج و زیاره خانواده شاهد

سال ۶۶ خیر دادند که قرار است یک کاروان ویژه خانواده های شهدا و جانبازان به حج مشرف بشوید.اسم پدر و مادرم را نوشتم سلیمان پسر خاله ام که جانباز ۷۵ درصد هست هم با آنها بود . بعد از اعمال حج ، حجاج فریاد برآئت از مشرکین سر می دهند و پلیس صعودی به تظاهرات کنندگان حمله می کند و تعداد زیادی زخمی و شهید می شوند ، پدرم مادر را در مسیر راهپیمایی گم می کند فرادی آن روز اسامی زخمی ها و شهدا از رسانه ها اعلام شد پدر جنازه زخمی و خون آلود مادر را نتشناخته بود. حجاج که برگشتند من رفتم تهران دنبال پدر . بعد از ۷۵ روز به من خبر دادند که باید با هیاتی که می روند برای شناسایی اجساد شهدا بروم جده، رفتم بیمارستانی که اجساد آنجا بود اول عکس ها را نشان دادند اما از روی عکسها نمی شد تشخیص داد . رفتم سراغ اجساد، ورم ها خوابیده بود خون ها خشک شده بود جنازه مادر را پیدا کردم از روی رد بخیه که زیر گلویش بود چند سال پیش از آن تیروئیدش را عمل کرده بودیم .

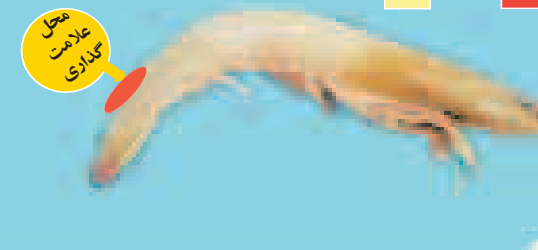
مادر را پیدا کردم از روی رد بخیه که زیر گلویش بود چند سال پیش از آن تیروئیدش

با اعلام یافتن هر میگوی گذاری شده با رنگهای قرمز و زرد به شیلات

هرمزگان از جوایز صد هزار ریالی بهره مند شوید

● روابط عمومی اداره کل شیلات هرمزگان

تلفن ها تماس : ۰۹۱۷۷۶۳۵۱۹۱-۰۷۶۱-۳۳۴۰۹۰۴-۳۳۳۳۳۲۱



● روابط عمومی اداره کل شیلات هرمزگان